

الیاس - شماره هفت

اولین و آخرین

Jeff Pippenger

2023-10-07

ما سال ۱۸۶۳ را به عنوان آخرین نقطهٔ آزمون در سلسله‌ای از آزمون‌ها که با ناامیدی بزرگ ۱۸۴۴ آغاز شد، شناسایی می‌کنیم. نخستین بخش استدلال ما این واقعیت است که جنبش میلری زمانی پایان یافت که کلیسای ادونتیست روز هفتم در همان سال به طور قانونی نزد دولت ایالات متحده آمریکا ثبت شد. جنبشی که به طور نبوی در ۱۷۹۸ آغاز شده بود، در ۱۸۶۳ پایان یافت.

الهام به ما می‌گوید که وقتی فرشتهٔ نیرومند مکاشفهٔ هجده در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرود آمد، آن رویداد پیش‌تر در جنبش میلریتی‌ها، هنگام فرود آمدن فرشتهٔ مکاشفهٔ ده، نمونه‌وار شده بود. جنبش میلریتی‌ها در زمان پایان در سال ۱۷۹۸ آغاز شد، هنگامی که رؤیای رودخانهٔ اولای در فصل‌های هشت و نه دانیال مهر آن گشوده شد. جنبش یکصد و چهل و چهار هزار در زمان پایان در سال ۱۹۸۹ آغاز شد، زمانی که رؤیای رودخانهٔ حدقل در سه فصل پایانی دانیال مهر آن گشوده شد.

هر دو «زمان پایان»، جدایی تدریجی قوم برگزیدهٔ پیشین را از کسانی که در جنبش هر یک از آن تاریخ‌ها بودند، آغاز کردند. وقتی قاعدهٔ اصلی هر تاریخ به طور علنی تأیید شد، فرشتهٔ هر یک از آن تاریخ‌ها فرود آمد. پیام، جنبش و پیام‌آور ابزارهایی بودند که خداوند در هر یک از آن تاریخ‌ها به کار گرفت تا گناه قوم برگزیدهٔ پیشین را نشان دهد، زیرا همان‌گونه که مسیح دربارهٔ کار خود تعلیم داد، اگر او نیامده بود، یهودیان خرده‌گیر تاریخ گناهی نمی‌داشتند. پیام‌آور، پیام و جنبش، ابزارهای داوری بودند که قوم برگزیدهٔ پیشین را به سبب رد نور پیش‌روندهٔ تاریخ‌های مربوط به خودشان پاسخگو می‌ساختند؛ و هنگامی که فرشتهٔ فرود آمد، این نشان می‌داد که فرایند داوری قوم عهد پیشین آغاز شده است. ابزار داوری زمانی شناخته می‌شود که پیامبرانی که آن تاریخ را تصویر می‌کنند، پیامی را که از سوی خداوند به آنان رسانده شده است، بخورند. وقتی پیام را می‌خورند، سپس آن را نزد قوم برگزیدهٔ پیشین می‌برند؛ قومی که گردن‌کش و سرکش تصویر شده است و نخواهد شنید و توبه نخواهد کرد. به محض اینکه فرشتهٔ فرود آید و پیام خورده شود، داوری قوم سرکش آغاز می‌شود.

ما فرایند داوری اسرائیل باستان را، همان‌گونه که در کتاب اعداد نشان داده شده، بر تاریخ جنبش میلری به کار می‌بریم و در نهایت، این فرایند آزمون را بر جنبش یکصد و چهل و چهار هزار به کار خواهیم برد. بار نمادین عدد «ده» را باید با توجه به سیاق بخشی که در آن به کار رفته تعیین کرد.

توالی ده آزمون از ناکامی آغاز می‌شود؛ یا در کنار دریای سرخ برای اسرائیل باستان، یا در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ برای میلریتی‌ها. خواهر وایت حقایق شاخصی را که در آن زمان گشوده شدند معرفی می‌کند؛ نخستین آن‌ها همان چیزی است که او «گذشت وقت» می‌نامید. ناکامی عبرانیان همان تهدید لشکر فرعون بود. بی‌ایمانی عبرانیان به قدرت خدا در واکنش به ترسشان از لشکر دشمنانشان آشکار شد؛ همان‌گونه که در دهمین و آخرین آزمون نیز چنین بود. عیسی پایان را از ابتدا نشان می‌دهد، از این‌رو، ترس از غول‌ها در سرزمین موعود که ده جاسوس گزارش کردند، همان ترسی بود که در کنار دریای سرخ نیز ناکامی آنان را رقم زده بود. دهمین و آخرین آزمون برای جنبش میلریتی یک نبوت زمانی خواهد بود؛ همچنان که ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بود.

ناامیدی بزرگ در روند آزمایش‌های پیش‌روندهٔ تاریخ میلریتی‌ها، آغاز تاریخی را رقم زد که به روشنی به وسیلهٔ رهایی اسرائیل باستان از مصر نمونه‌وار شده بود. از کنار دریای سرخ، سلسله‌ای از ده

آزمون آغاز شد و آخرین آزمون بازتابی از نخستین آزمون بود. «گذشت زمان» در ناامیدی بزرگ ناشی از سوءبرداشت از یک نبوت زمانی بود. آخرین مرحله فرایند آزمایش برای اسرائیل روحانی همانند نخستین خواهد بود. در سال ۱۸۶۳، رهبران اسرائیل جسمانی تصمیم گرفتند به روش‌شناسی کتاب مقدسی کسانی بازگردند که تازه آنان را «دختران روم» معرفی کرده بودند، و طولانی‌ترین نبوت زمانی کتاب مقدس را رد کردند، یا می‌توان گفت بدفهمیدند. پایان ده آزمون، هم در اسرائیل جسمانی و هم در اسرائیل روحانی، به وسیله آغازشان نمایانده می‌شد. و در پایان، در هر دو مورد، شورشیان میل بازگشت به همان جایی را نشان دادند که تازه از آن رهایی یافته بودند.

ادونتیسیم لائودکیایی با رد کردن هفت بار لایوان بیست‌وشش، معضلی نبوی پدید آورد که آن را پیش‌بینی نکرده بودند. تا امروز هم نتوانسته‌اند آن معضل را حل کنند، هرچند برای این منظور خوانی از انواع افسانه‌ها می‌گسترانند. آن معضل در همان آیه‌ای است که خواهر وایت آن را بنیان و ستون مرکزی ادونتیسیم معرفی می‌کند.

آیه‌ای از کتاب مقدس که بیش از هر آیه دیگری، هم بنیاد و هم ستون مرکزی ایمان ادونتئی به‌شمار می‌رفت، این بیان بود: «تا دو هزار و سیصد روز؛ آنگاه مقدس‌گاه تطهیر خواهد شد.» [دانیال ۸:۱۴]. نبرد عظیم، ۴۰۹.

ادونتیسیم درباره آیه چهارده حرف‌های زیادی برای گفتن دارد، اما هرگز به نخستین نکته‌ای که باید درباره این آیه مطرح شود نمی‌پردازد. آن نکته این است که آیه چهارده یک «پاسخ» است. پاسخ، بدون پرسشی که آن را برمی‌انگیزد، بی‌معناست. آیه سیزده را نمی‌توان از نظر منطقی، دستوری یا معقولانه از آیه چهارده جدا کرد، زیرا آیه سیزده پرسش است و آیه چهارده پاسخ.

سؤال، وقتی به درستی و منصفانه بیان شود، برای آیه چهارده معنایی کاملاً متفاوت از آنچه ادونتیسیم تعلیم می‌دهد به دست می‌دهد. این به آن معنا نیست که آیه چهارده «بنیاد و ستون مرکزی ایمان ادونتیستی» نیست، زیرا هست. معنایش این است که وقتی ادونتیسیم در سال 1863 «هفت‌زمان» را بدفهمید و کنار گذاشت، نتوانست به‌طور کامل مشخص کند که آیه چهارده واقعاً چه معنایی دارد. در کتاب مقدس، نیمه‌حقیقت، حقیقت نیست. اگر درست فهمیده شود، سؤال آیه سیزده مستلزم اذعان به نبوتی است که پاک‌سازی مقدس‌گاه پایمال‌شده را نشان می‌دهد، و نیز اذعان به نبوتی که پایمال‌شدن لشکر را نشان می‌دهد. نبوت دو هزار و سیصد ساله به «مقدس‌گاه» می‌پردازد و نبوت دو هزار و پانصد و بیست ساله به «لشکر».

پرداختن به ارتباط دو آیه مستلزم مطالعه‌ای مفصل است که در این مقطع در این مجموعه مقالات قصد انجام آن را ندارم. این نکات در طول سال‌ها بارها مورد بحث قرار گرفته و می‌توان آن‌ها را در مجموعه «جداول حقوق» یافت. من هنوز به نمادشناسی ایلیا می‌پردازم و می‌خواهم نخست بیان آن حقایق را به پایان برسانم.

ویلیام میلر ایلیای آغاز ادونتیسیم بود و نخستین کشف او «هفت زمان» لایوان باب بیست‌وششم بود؛ پس رد آن حقیقت در سال ۱۸۶۳، رد پیام ایلیا بود. در اینجا به ویژگی آلفا و امگا می‌پردازم که پایان را با آغاز یکی می‌گیرد. آزمون نهایی برای اسرائیل قدیم در آزمون نخست بازنمایی شده بود. هر دو آزمون بیانگر این ترس بودند که قوم‌های مشرک نیرومندتر از خدا هستند. آزمون دهم، با آنکه از حیث اصل همان بود، بسیار سرکشانه‌تر از آزمون نخست بود، زیرا تاریخ پیروزی خدا در آزمون نخست می‌بایست در دل یاغیان اعتمادی پایدار پدید آورد. آنان با وجود شواهد بسیار بیشتری از قدرت او نسبت به آنچه در دریای سرخ دیده بودند، رد خدا را آشکار کردند. ادونتیسیم میلری تا سال ۱۸۶۳ از پیش توضیح می‌داد که چرا یأس بزرگ کاری مقتدرانه از سوی خدا بود، اما با این همه تصمیم گرفتند برای خود سرداری برگزینند و به مصر بازگردند و پیامی را رد کنند که دانیال آن را «سوگند موسی»

می‌نامد و به دست ایلیا نمایانده شده بود.

به جای اینکه وقت بگذارم و دلایل اعتبار هفت زمان را به عنوان یک نبوت زمانی تبیین کنم، قصد دارم با منطق ساده‌ای به شیوه‌ای دیگر اعتبار آن را ثابت کنم. برای جنبشی که در سال ۱۷۹۸ آغاز شد، آزمون نهایی سال ۱۸۶۳ نیز نمایانگر آزمون نهایی برای جنبش فرشته نیرومند مکاشفه باب هجده خواهد بود. الهام به روشنی بیان کرده است که آزمون پایانی برای هر دو جنبش چیست.

شیطان ... پیوسته امور جعلی را به میان می‌آورد تا از حقیقت دور کند. آخرین فریب شیطان این خواهد بود که شهادت روح خدا را بی‌اثر کند. «هر جا رؤیا نیست، قوم هلاک می‌شود» (امثال ۲۹:۱۸). پیام‌های برگزیده، کتاب ۱، ۴۸.

هیچ شیوه صادقانه‌ای وجود ندارد که با استناد به نوشته‌های الن وایت ادعا شود او «هفت بار لاویان باب بیست‌وشش» را به طور کامل تأیید نکرده است. خواهر وایت، چنان‌که پیش‌تر در این مقالات نشان داده‌ایم و در مجموعه‌ای با عنوان «جداول حیقوق» نیز به خوبی مستند است، به صراحت اعلام می‌کند که خدا هر دو جدول ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰ را هدایت کرده است. او مستقیماً تعلیم می‌دهد که آن دو جدول تحقق باب دوم حیقوق بودند. هر دو جدول «هفت بار لاویان باب بیست‌وشش» را به عنوان نقطه مرکزی طرح گرافیکی خود معرفی می‌کنند. در هر دو جدول، در خط «هفت بار»، صلیب مسیح در مرکز این خط نبوی قرار دارد.

علاوه بر تأییدهای او از دو لوح حیقوق، او بارها نوشته است که ما باید همچنان به ارائه پیامی که از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ عرضه شد، ادامه دهیم، و هر تاریخ‌نگار ادونتیست که به این می‌پردازد که میلریت‌ها چگونه پیام اعلان‌شده خود را ترویج کردند، خاطرنشان می‌کند که آنان از جدول ۱۸۴۳ استفاده می‌کردند. او نه تنها پیام‌هایی را که بر آن جداول بازنمایی شده‌اند تأیید می‌کند و به قوم خدا توصیه می‌کند همان پیام‌هایی را که در آن تاریخ ارائه شد همچنان ارائه دهند، بلکه چندین فراز نیز می‌آورد که در آن‌ها هشدار می‌دهد آن پیام‌ها در سراسر تاریخ قوم باقیمانده خدا مورد حمله قرار خواهند گرفت. وقتی از آن حملات هشدار می‌دهد، بارها تصریح می‌کند که وظیفه دیده‌بانان خداست که از همان حقایق دفاع کنند.

اگر نمودارها نادرست باشند، پیام‌هایی که به صورت تصویری نمایش می‌دهند نیز نادرست‌اند. اگر پیامی که میلریتیان از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ اعلام کردند نادرست بود، آنگاه معرفی مکرر الن وایت از پیام میلریتیان به عنوان بنیاد نیز نادرست است. اگر آن پیام‌ها نادرست بودند، توصیه‌های مکرر او برای ادامه ارائه همان حقایق نیز رهنمودهایی نادرست به شمار می‌آیند. اگر پیام میلریتیان نماینده آن بنیادهایی نباشد که باید حفظ می‌شدند و از حملات شیطانی پاسداری می‌شد، آنگاه آن رهنمودها نیز نادرست‌اند. رسیدن به این نتیجه که همه این مسائل مرتبط با پیام ایلیا در آن دوره تاریخی نادرست است، به روشنی نشان می‌دهد که الن وایت پیامبری دروغین بود.

ادونتیسم امروزی هنوز هم در سمینارهای «مکاشفه» خود آموزش می‌دهد که کلیسای باقی‌مانده روح نبوت را، که همان شهادت عیسی است، خواهد داشت؛ اما قطعاً به کسانی که می‌کوشند به عضویت کلیسا درآوردند نمی‌گویند که تأیید و هشدارهای الن وایت را که با آن حقایق بنیادین اولیه و تاریخ مرتبط‌اند، به طور کامل رد می‌کنند. این عبارت زیر برای شما چه معنایی دارد؟

ما برای آینده هیچ ترسی نداریم، مگر اینکه راهی را که خداوند ما را در آن رهبری کرده است و تعلیمات او را در تاریخ گذشته‌مان فراموش کنیم. Life Sketches، ۱۹۶.

در سال ۱۸۶۳، جنبش میلری به نتیجه‌ای رسید و به عنوان یک نهاد حقوقی در مراجع دولتی به ثبت رسید؛ اقدامی که در نهایت تصویر پایت را شکل می‌داد، و پایت به تعریف الن وایت، ترکیب کلیسا با

دولت است.

در جنبش‌هایی که اکنون در ایالات متحده در جریان‌اند و هدفشان تضمین حمایت دولت از نهادها و آیین‌های کلیساست، پروتستان‌ها قدم در جای پای پاپیان می‌گذارند. بلکه فراتر از این، آنان در را می‌کشایند تا پاپیت برتری‌ای را که در دنیای قدیم از دست داده بود، در آمریکای پروتستان بازپس گیرد.

بر این مبنا که پیوند حقوقی با دولت بخشی از ضرورت سازمان‌دهی بود، در زمانی که جوانان کشور به حمام خونی که جنگ داخلی نامیده می‌شد به خدمت فراخوانده می‌شدند، جنبش پیروان میلر پایان یافت. در سال ۱۸۶۳، کلیسای ادونتیست روز هفتم، هم با یک مقاله چاپی و هم با نموداری جدید، نبوت بردگی را که دانیال آن را «سوگند موسی» می‌نامد رد کرد. در سال ۱۸۵۰، خداوند قوم خود را هدایت کرده بود که لوح دوم حقوق را بسازند و خطایی را که او در لوح ۱۸۴۳ با دست خود پوشانده بود، اصلاح کنند. نموداری که در ۱۸۵۰ دستور تهیه‌اش داده شد، به‌طور کامل هدف خود را محقق ساخت، زیرا الن وایت گفت که دیده است «که خدا در انتشار آن نمودار حضور داشت»، و همچنین بیان کرد که نمودار ۱۸۵۰ در باب دوم حقوق مورد اشاره قرار گرفته است.

هدف نمودار ۱۸۵۰ همان هدف نمودار ۱۸۴۳ بود. قرار بود ابزاری تبلیغی برای ارائه پیام فرشته سوم به جهانی رو به مرگ باشد. در سال ۱۸۶۳ آن پیام کنار گذاشته شد. فرایند آزمایشی که نمونه‌اش با فرایند آزمونی که در دریای سرخ آغاز شد نشان داده می‌شود، با نبوت زمانی‌ای آغاز شد که قدسی را که قرار بود لگدمال شود در آیه سیزده فصل هشتم دانیال مشخص می‌کرد، و فرایند آزمون با نبوت زمانی‌ای پایان یافت که سپاهی را که قرار بود لگدمال شود در آیه سیزده فصل هشتم دانیال مشخص می‌کرد.

آنگاه شنیدم که یکی از قدیسان سخن می‌گفت، و قدیسی دیگر به آن قدیسی که سخن می‌گفت، گفت: این رؤیا درباره قربانی دائمی و تعدی ویرانگر، برای سپردن هم قدس و هم سپاه به پایمال شدن، تا چه مدت خواهد بود؟ و او به من گفت: تا دو هزار و سیصد روز؛ آنگاه قدس تطهیر خواهد شد. دانیال ۸:۱۳، ۱۴.

فرایند آزمونی که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز شد، امضای آلفا و امگا را بر خود دارد. آغاز آن فرایند آزمون، نبوتی زمانی بود که نمایانگر قدسی بود که قرار بود پایمال شود. آن نبوت، هنگامی که تحقق یافت، نوری عظیم پدید آورد. فرایند آزمونی که در ۱۸۶۳ پایان یافت، امضای آلفا و امگا را بر خود دارد. پایان آن فرایند آزمون، نبوتی زمانی بود که نمایانگر لشکری بود که قرار بود پایمال شود. آن نبوت طوری طراحی شده بود که با تحققش نوری عظیم پدید آورد. آن، نبوتی زمانی بود که توسط الیای آن تاریخ ارائه شد، و هنگامی که رد و کنار گذاشته شد، تاریکی عظیمی پدید آورد.

و داوری این است که نور به جهان آمده است، و مردم تاریکی را بیش از نور دوست داشتند، زیرا اعمالشان بد بود. یوحنا ۳:۱۹

منطقی که قصد دارم این مقاله را با آن به پایان برسانم همان چیزی است که قبلاً به آن اشاره کرده‌ام. آیا خدا از طریق الن وایت نمودارهای ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰ را تأیید کرد؟

من دیده‌ام که نمودار ۱۸۴۳ به دست خداوند هدایت شده بود و نباید تغییر داده می‌شد؛ که ارقام آن همان‌گونه بودند که او می‌خواست؛ که دست او بر آن بود و خطایی را در برخی از ارقام پوشانده بود، چنان‌که هیچ‌کس نمی‌توانست آن را ببیند تا وقتی که دست او برداشته شد. نوشته‌های نخستین، ۷۴.

دیدم که خدا در انتشار نمودار توسط برادر نیکولز نقش داشت. دیدم که در کتاب مقدس درباره این نمودار نبوتی وجود دارد؛ و اگر این نمودار برای قوم خدا طرح شده است، اگر برای یک نفر کافی است، برای دیگری نیز کافی است؛ و اگر یکی به نموداری جدید که در مقیاسی بزرگ‌تر ترسیم شده نیاز داشته باشد، همه به همان اندازه به آن نیاز دارند. انتشارات دست‌نوشته‌ها، شماره ۱۳، ۳۵۹؛ ۱۸۵۳.

آیا خدا از طریق الن وایت پیام پیروان میلر را طی سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ تأیید کرد؟

"خدا پیام تازه‌ای به ما نمی‌دهد. ما باید همان پیامی را اعلام کنیم که در سال‌های ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ ما را از کلیساهای دیگر بیرون آورد." ریویو اند هرالد، ۱۹ ژانویه ۱۹۰۵.

«خدا از ما می‌خواهد وقت و توان خود را وقف کار موعظه آن پیام‌ها برای مردم کنیم؛ همان پیام‌هایی که در سال‌های ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ مردان و زنان را برانگیخت.» انتشار دست‌نوشته، شماره ۷۶۰.

تمام پیام‌هایی که در سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ داده شده‌اند، اکنون باید با قوت بیان شوند، زیرا بسیاری از مردم جهت خود را گم کرده‌اند. این پیام‌ها باید به همه کلیساهای رسانده شوند.

مسیح فرمود: "خوشا به حال چشمان شما، زیرا می‌بینند؛ و گوش‌های شما، زیرا می‌شنوند. زیرا هرآینه به شما می‌گویم که بسیاری از پیامبران و صالحان آرزو داشتند آنچه را شما می‌بینید ببینند و ندیدند؛ و آنچه را شما می‌شنوید بشنوند و نشنیدند" [متی ۱۳: ۱۶، ۱۷]. خوشا به حال چشمانی که آنچه در سال‌های ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ دیده شد، دیدند.

پیام داده شد. و نباید هیچ درنگی در تکرار پیام باشد، زیرا نشانه‌های زمان در حال تحقق‌اند؛ کار پایانی باید انجام شود. کاری عظیم در زمانی کوتاه انجام خواهد شد. به زودی پیامی به تعیین الهی داده خواهد شد که به فریادی بلند تبدیل خواهد شد. آنگاه دانیال در نصیب خود خواهد ایستاد تا شهادت خود را بدهد. Manuscript Releases، جلد ۲۱، صفحه ۴۳۷.

حقایقی که در سال‌های ۱۸۴۱، ۱۸۴۲، ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ دریافت کردیم، اکنون باید مورد مطالعه قرار گیرند و اعلام شوند. پیام‌های فرشتگان اول، دوم و سوم در آینده با صدای بلند اعلام خواهند شد. آن‌ها با عزمی راسخ و در قدرت روح ابلاغ خواهند شد. Manuscript Releases، جلد ۱۵، صفحه ۳۷۱.

"ما ضعف و کوچکی کنونی این کار را درک می‌کنیم. ما تجربه‌ای داشته‌ایم. در انجام کاری که خدا به ما سپرده است، می‌توانیم با اعتماد به پیش برویم و مطمئن باشیم که او مایه کارایی ما خواهد بود. او در سال ۱۹۰۶ نیز با ما خواهد بود، همان‌گونه که در سال‌های ۱۸۴۱، ۱۸۴۲، ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ با ما بود." پیام‌های لوما لیندا، ۱۵۶.

«کسانی که در مؤسسات ما در مقام معلمان و رهبران قرار دارند، باید در ایمان و در اصول پیام فرشته سوم استوار باشند. خدا می‌خواهد قومش بدانند که ما همان پیامی را داریم که او در سال‌های ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ به ما داد.» بولتن کنفرانس عمومی، ۱ آوریل ۱۹۰۳.

«هشدار آمده است: نباید اجازه دهیم چیزی وارد شود که بنیاد ایمانی را که از زمانی که پیام در سال‌های ۱۸۴۲، ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ آمد، بنای خود را بر آن استوار ساخته‌ایم، متزلزل کند. من در این پیام بودم و از آن زمان تاکنون در برابر جهان ایستاده‌ام، وفادار به نوری که خدا به ما بخشیده است. ما قصد نداریم پاهای خود را از آن سکویی که در همان روزهایی که روزبه‌روز با دعایی جدی خداوند را می‌طلبیدیم و در پی نور بودیم، بر آن نهادیم، برداریم. آیا می‌پندارید که می‌توانم از نوری که خدا به من داده دست بکشم؟ این نور باید چون صخره اعصار باشد. از همان زمانی که

عطا شد، مرا هدایت کرده است.» ریویو اند هرالد، 14 آوریل 1903.

آیا خدا از طریق الن وایت به قوم خود هشدار داد که از حقایق تاریخ جنبش میلرایت در برابر حملاتی که می‌توانستند آن‌ها را تضعیف کنند، دفاع کنند؟

نشانه‌های بزرگ حقیقت، که موقعیت ما را در تاریخ نبوت به ما نشان می‌دهند، باید به دقت پاسداری شوند، مبادا از میان برداشته شوند و با نظریه‌هایی جایگزین شوند که به جای نور حقیقی، سردرگمی به بار می‌آورند. پیام‌های برگزیده، جلد ۲، 101، 102.

امروز شیطان در پی فرصت‌هایی است تا نشانه‌های راه حقیقت — آن یادمان‌هایی که در طول مسیر برافراشته شده‌اند — را ویران کند؛ و ما به تجربه خادمان سالخورده‌ای نیاز داریم که خانه خود را بر صخره‌ای استوار بنا کرده‌اند و چه در بدنامی و چه در نیکنامی بر حقیقت استوار مانده‌اند. کارگران انجیل، 104.

خدا هرگز جهان را بدون مردانی که بتوانند نیک را از بد، و راستکاری را از ناراستی تشخیص دهند، رها نمی‌کند. خدا مردانی دارد که آنان را مقرر کرده است تا در هنگام اضطراب در صف مقدم نبرد بایستند. در بحران، همان‌گونه که در زمان‌های قدیم کرد، مردانی را برخواهد انگیخت. از جوانان خواسته خواهد شد که با پرچمداران کهنسال پیوند یابند تا به واسطه تجربه این وفاداران نیرو بگیرند و تعلیم ببینند؛ آنان که از کشاکش‌های بسیار گذشته‌اند و خدا، از طریق شهادت‌های روح خود، بارها با ایشان سخن گفته، راه درست را نشان داده و راه نادرست را محکوم کرده است. هرگاه خطرها برمی‌خیزند و ایمان قوم خدا را می‌آزمایند، این پیشگامان باید تجربه‌های گذشته را بازگو کنند؛ آنگاه که درست چنین بحران‌هایی پدید آمد، آنگاه که حقیقت مورد سؤال قرار گرفت، آنگاه که آراء و عقاید بیگانه‌ای که از خدا نبود به میان آورده شد.

اکنون به تجربه آن کارکنان سالخورده نیاز است؛ زیرا شیطان در کمین هر فرصتی است تا نشانه‌های کهن راه — آن یادمان‌هایی که در طول مسیر برافراشته شده‌اند — را بی‌اعتبار کند. Review and Herald، نوامبر ۱۹۰۳.

در سال ۱۸۶۳ جنبش میلری با رد نخستین حقیقتی که ایلپای آن تاریخ به فهم آن هدایت شده بود، به پایان رسید. آزمون نهایی آن بر دو آیه در دانیال، فصل هشت، استوار بود که پایمال شدن قدس و لشکر را مشخص می‌کنند. نور قدس در نخستین ده آزمون آشکار شد و تاریکی در آخرین ده آزمون بر لشکر آورده شد.

یک چیز مسلم است: ادوتیست‌های روز هفتم که زیر پرچم شیطان موضع می‌گیرند، ابتدا از ایمان خود به هشدارها و توبیخ‌هایی که در شهادت‌های روح خدا آمده دست خواهند کشید.

دعوت به تقدیس بیشتر و خدمت مقدس‌تر مطرح شده و همچنان مطرح خواهد شد. برخی از کسانی که اکنون القاهای شیطان را بر زبان می‌آورند، به خود خواهند آمد. کسانی در مناصب مهم و مورد اعتماد هستند که حقیقت زمان حاضر را درک نمی‌کنند. باید پیام به آنان رسانده شود. اگر آن را بپذیرند، مسیح آنان را خواهد پذیرفت و آنان را همکاران خویش خواهد ساخت. اما اگر از شنیدن پیام سر باز زنند، زیر پرچم سیاه شاهزاده تاریکی موضع خواهند گرفت.

به من دستور داده شده که بگویم حقیقت گران‌بهای این زمان هرچه روشن‌تر بر اذهان انسانی هویدا می‌شود. در معنایی خاص، مردان و زنان باید از جسم مسیح بخورند و از خون او بنوشند. فهم و ادراک رشد خواهد کرد، زیرا حقیقت توانایی گسترش مداوم را دارد. پدیدآورنده الهی حقیقت با کسانی که برای شناخت او پیش می‌روند، به مشارکتی هرچه نزدیک‌تر راه خواهد یافت. چون قوم خدا کلام او را چون نان آسمانی دریافت کنند، خواهند دانست که آمدنش مانند صبح

مقرر است. ایشان قوت روحانی دریافت خواهند کرد، همان‌گونه که بدن هنگام خوردن غذا قوت جسمانی می‌گیرد.

ما حتی نیمی از نقشه‌ی خداوند را در بیرون آوردن بنی‌اسرائیل از بندگی مصر و رهبری آنان از میان بیابان به کنعان درک نمی‌کنیم.

وقتی پرتوهای الهی تابنده از انجیل را گرد می‌آوریم، بینشی روشن‌تر نسبت به نظام دینی یهود و درکی عمیق‌تر از حقایق مهم آن خواهیم یافت. کاوش ما در حقیقت هنوز ناتمام است. ما تنها چند پرتو نور را گرد آورده‌ایم. کسانی که هر روز به مطالعه کلام نمی‌پردازند، مسائل نظام دینی یهود را حل نخواهند کرد. آنان حقایقی را که خدمت هیکل تعلیم می‌دهد، درک نخواهند کرد. کار خدا به سبب برداشت دنیوی از طرح عظیم او بازداشته می‌شود. حیات آینده معنای قوانینی را که مسیح، پوشیده در ستون ابر، به قوم خود داد، آشکار خواهد کرد. اسپالدینگ و مگان، ۳۰۵، ۳۰۶.

ما بررسی معانی نمادین الیاس در ارتباط با سال ۱۸۶۳ را در مقاله‌ی بعدی ادامه خواهیم داد.